

شل کن عزیزبیزم!

گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت رفت
ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت رفت
برق عشق ار خرمن پشمینه پوشی سوخت سوخت
جور شاه کامران گر برگدایی رفت رفت
در طریقت رنجش خاطر نباشد می بیار
هر کدورت را که بینی چون صفایی رفت رفت

جناب حافظ در مصرع اول می فرماید اگر چه نفری به خطایی کرد و همین جوری سر به حرف کشکی کشکی یه گرین کارت آمریکا برای جناب دبیر (در جوانی) همان حاج علی کنونی رئیس فدراسیون کشتی گرفت، نباید خیلی بهش سخت گرفت. حالا یه گرین کارته دیگه، گرفته دیگه! در مصرع دوم هم به موضوع آلوده بودن هندوانه ها اشاره می کنه و می گه حالا از خوردن هندوانه ها هم یه جفایی دیدیم، یه مقدار نیترا ت هم وارد بدنمون شد. اون هم زیاد مهم نیست. سخت نگیرین! در بیت بعدی می گه در مسئله قطعی برق هم حالا درسته کار و کاسبی و زندگی مردم در حال سوختنه، ولی اینجا هم مثل دو مورد قبل نباید سخت گرفت، شده دیگه! در بیت بعدی می فرماید وقتی توی ایران داری زندگی می کنی، رنجشی نداشته باش و کلا سخت نگیر! شل کن عزیزبیزم! هر مشکل و کدورتی هست، راهکاری داره.



در حاشیه گرانی اینترنت



صفحه ۲
۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۱۳۸

خاورمیانه و جغرافی دان ها

بزرگ ترین فرصت هفته: روزنامه ابرار انتقاد کرده است که چرا از افغانستان که منشأ آلودگی دامی است، این قدر دام زنده وارد می شود؟ باین حساب، مدتی دیگر کارشناسان متوجه خواهند شد نخوردن این گوشت ها از خوردنشان بهتر است و آن وقت تقاضای گوشت ناگهان پایین می آید و ستاد تنظیم بازار بدون دخالت دست، توانسته است بازار را تنظیم کند.

بزرگ ترین اشتباه جغرافیایی هفته: در حالی که نه پاکستان جزو خاورمیانه است، نه هندوستان، این دو کشور با یکدیگر وارد جنگ شدند. این نشان داد که مادر مدرسه اشتباه نمی کردیم که می نوشتیم پاکستان جزو خاورمیانه است، بلکه جغرافی دان ها بودند که به اشتباه هند و پاکستان را بخشی از خاورمیانه به حساب نیاوردند!

دفاعی ترین حرکت هفته: مرسوم شده است دانشجویان موقع دفاع پایان نامه شان از مدعوین با پک های لاکچری پذیرایی کنند و دانشجویی که در همه دوره دانشجویی اش معده اش با تخم مرغ عجین شده

است، در آخرین روزهای حضورش در دانشگاه، معده مدعوین پایان نامه را به ضیافتی لاکچری دعوت کند. اما دانشگاه اصفهان با ممنوع کردن این پذیرایی ها، از جیب دانشجویان در جلسات دفاع پایان نامه دفاع کرد.

کم چرب ترین روزهای هفته: این روزها دوباره بحث کمبود روغن داغ شده است. البته کمبود بدی هم نیست، چون هر قدر قفسه روغن مغازه ها خلوت تر باشد، بخش مراقبت های ویژه بیمار ان قلبی که کلسترو ل رگ هایشان را بسته است، خلوت تر خواهد بود.

تمشکی ترین بلخمون هفته: می رسد به برخی رسانه های خبری که به نحو خاصی اخبار را پوشش می دهند، مثلاً تیتراشان این است: ناراحتی مردم از خاموشی های بی برنامه! انگار مثلاً اگر خاموشی با برنامه باشد، مردم خوش حال اند. احتمالاً مدتی دیگر از یک قربانی زورگیری می نویسند که از زورگیر دلقور بوده است که چراهه دست راست او که بیشتر کارایی دارد، چاقو زده است، نه به دست چپش!



پیشنهادهای تری به مردمی به پزشکین: جراحی دولت را آغاز کنید

سلامی بر تو آذر جهرمی جان
که از تو نیست برتر، جهرمی جان
اگر در بین جراحی رود برق
چه باید کرد آخر، جهرمی جان؟

وزیر نیرو قول داد قطعی برق بیش از ۱۲ ساعت ممنوع شد

به منظور سیاحت خواهد آمد
به سختی نه، که راحت خواهد آمد
نخواهد رفت برق ما از این پس
فقط روزی دو ساعت خواهد آمد

حباب به حبابات هم رسید

همه جوره گرانی دیده بودیم
ز غولش بارها ترسیده بودیم
حباب سکه را آری، ولیکن
حباب لپه را نشنیده بودیم!

سریان کمبود روغن ارامه دار

امان و امان و امان و امان
ز کمبود روغن، گرانی آن
سبیل که را چرب کردید که
به یک باره در هر کجا شد نهان؟